آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۳۱۲
پنجشنبه
۱۴۰۱•۰۴•۰۹
۳۰ذی‌القعده۱۴۴۳/ ۳۰ژوئن۲۰۲۲

مرتضی مکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

به نتیجه رسیدن مذاکرات نیازمند تصمیمات سخت است

- مذاکرات قطر یک گام به جلو است
- سفر بورل به تهران در روند احیای برجام تأثیر مثبت داشت
- کشورهای اروپایی نمی‌توانند به آمریکا برای تصمیم‌گیری درباره برجام فشار وارد کنند
- باید امیدوار بود مذاکرات دوحه به نتیجه برسد

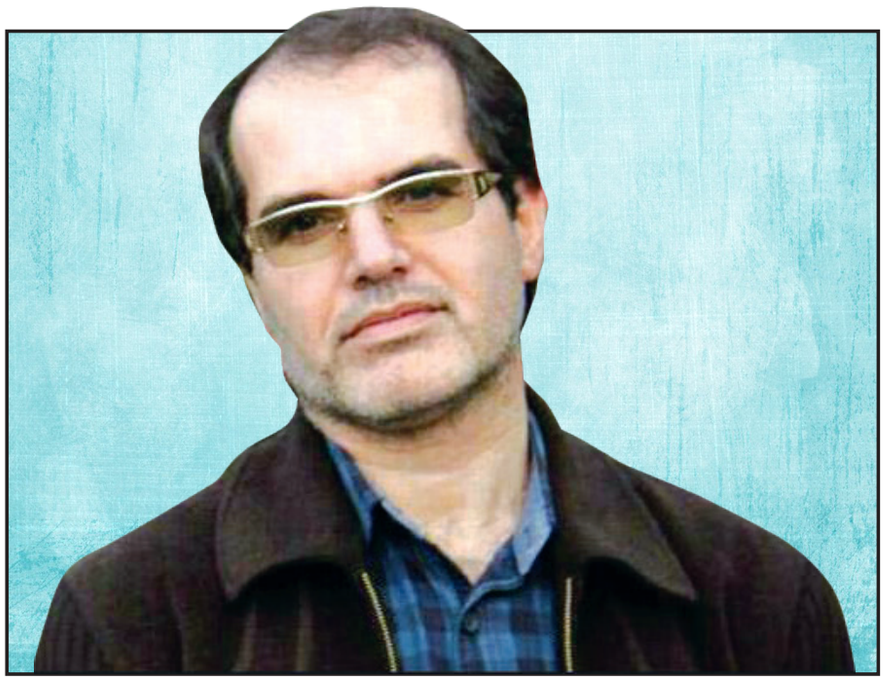

آرمان ملی- احسان انصاری: مذاکرات احیای برجام این بار در دوحه قطر از سر گرفته شده و طرفین تلاش می‌کنند با از بین بردن موانع در نهایت به توافق دست پیدا کنند. نکته مهم در این مذاکرات روش مذاکرات است که به صورت غیرمستقیم بین ایران و آمریکا برگزار می‌شود. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که در مذاکرات برجام در سال ۲۰۱۵ ایران و آمریکا به صورت مستقیم با هم مذاکره می‌کردند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مذاکرات احیای برجام با مرتضی مکی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مکی معتقد است: «بن‌بستی که امروز در مذاکرات وجود دارد به دلیل مطالبات حداکثری است که ایران و آمریکا دارند و از طرفین از این رویکرد حداکثری عدول کنند و به یک جمع بندی متعادل برسند توافق دور از دسترس نخواهد بود. اگر آمریکا به این جمع‌بندی رسیده باشد که تحریم‌های ایران باید برداشته شود نقش مهمی در روند مذاکرات خواهد داشت. در غیر این صورت کشورهای اروپایی از چنین توانایی برخوردار نیستند که به آمریکا فشار بیاورند که تصمیم جدیدی درباره برجام اتخاذ کند. همین که جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده که به صورت غیر مستقیم با آمریکا مذاکره کند گامی به جلو در زمینه مذاکرات بین دو طرف خواهد بود.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مذاکرات در دوحه پایتخت قطر دوباره از سر گرفته شده است. تغییر مکان مذاکرات هسته‌ای و تغییر برخی رویکردها در مذاکرات چه تأثیری در روند مذاکرات خواهد داشت؟

این موضوع که محل مذاکرات از وین به دوحه تغییر کرده و از سوی دیگر فرمت مذاکرات نیز تغییر کرده یک گام به جلو ارزیابی می‌شود. بن‌بست موجود در مذاکرات به دلیل انعطاف ناپذیری ایران و آمریکا در مقابل خواسته‌های طرف مقابل بود. سه ماه پیش که مذاکرات متوقف شده بود آقای جوزف بورل عنوان کردند که مسائل فنی بین طرفین حل شده و تنها اراده سیاسی ایران و آمریکاست که می‌توان مذاکرات را به نقطه پایانی نزدیک کند. سفری که آقای بورل به تهران داشتند و استقبالی که از ایشان در تهران صورت گرفت نشانه‌ای از امیدواری برای احیای برجام در آینده بود. از سوی دیگر اینکه ایران و آمریکا با میانجی گری اروپا توافق کردند که مذاکرات ادامه پیدا کند نیز یک موضوع دیگری است که می‌تواند در روند مذاکرات تأثیر مثبتی داشته باشد. در هفته‌های گذشته رفت و آمدهای متعدد دیپلماتیک بین ایران و قطر رخ داد. این در حالی است که قطر در سال‌های اخیر سیاست خارجی خود را به شکلی تنظیم کرده که کمترین تنش و بیشترین ارتباط را با ایران داشته باشد. این رویکرد از جمله عواملی بود که باعث شد محل مذاکرات از وین به دوحه منتقل شود. در چنین شرایطی طرفین برجام عنوان کرده‌اند در صورتی که مذاکرات دوحه به نتیجه برسد مذاکرات نهایی در وین ادامه پیدا خواهد کرد.

> در هفته‌های گذشته رفت‌وآمدهای متعدد دیپلماتیک بین ایران و قطر رخ داد. این در حالی است که قطر در سال‌های اخیر سیاست خارجی خود را به‌شکلی تنظیم کرده که کمترین تنش و بیشترین ارتباط را با ایران داشته باشد. این رویکرد از جمله عواملی بود که باعث شد محل مذاکرات از وین به دوحه منتقل شود

مذاکرات در دوحه به شکل غیرمستقیم بین ایران و آمریکا صورت می‌گیرد و به شکلی است که کشورهای اروپایی پیغام‌های ایران و آمریکا را به طرف مقابل می‌دهند. آیا این نوع مذاکره روند مذاکرات را طولانی نمی‌کند؟ آیا بهتر نبود ایران و آمریکا برای عبور از موانع موجود و مانند وضعیت برجام در سال ۲۰۱۵ با هم مذاکره می‌کردند؟

این مشکلی است که بین ایران و آمریکا وجود دارد و طرفین باید از این بن‌بست خارج شوند. بن‌بستی که امروز در مذاکرات وجود دارد به دلیل مطالبات حداکثری است که طرفین دارند و اگر طرفین از این رویکرد حداکثری عدول کنند و به یک جمع بندی متعادل برسند توافق دور از دسترس نخواهد بود. اگر آمریکا به این جمع بندی رسیده باشد که تحریم‌های ایران باید برداشته شود نقش مهمی در روند مذاکرات خواهد داشت. در غیر این صورت کشورهای اروپایی از چنین توانایی برخوردار نیستند که به آمریکا فشار بیاورند که تصمیم جدیدی درباره برجام اتخاذ کند. همین که جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده که به صورت غیر مستقیم با آمریکا مذاکره کند گامی به جلو در زمینه مذاکرات بین دو طرف خواهد بود. واقعیت این است که اگر طرفین به دنبال این هستند که مذاکرات به نتیجه برسد باید تصمیمات سختی را در این زمینه بگیرند. تصمیماتی که می‌تواند نتایج خوبی برای کشور به‌همراه داشته باشد. به هر حال جهان امروز به هم پیوسته است و همه چیز به هم ارتباط دارد. امروز دیگر اقتصاد کشورها نمی‌تواند در همه زمینه‌ها به صورت خودکفا مدیریت شود. چرخه تولید در همه کشورهای جهان به هم پیوسته است و با هم ارتباط دارد. در سه سالی که آمریکا از برجام خارج شده و تحریم‌های ایران دوباره اعمال شده بخش مهمی از اقتصاد ما متوجه این موضوع شده است که ارتباطات آنها در سطح منطقه و جهان تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است. واکنش مثبت بازار در روزهای اخیر و پس از اخبار مثبت در زمینه از سرگیری مذاکرات به خوبی نشان داد که احیای برجام به چه میزان می‌تواند در اقتصاد کشور نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. در چنین شرایطی باید امیدوار بود که مذاکرات بین ایران و کشورهای غربی در دوحه به نتیجه برسد. بدون تردید اگر این مذاکرات به نتیجه مطلوب نرسد شرایط در آینده دشوارتر خواهد شد. فرصت‌ها به سرعت در حال از بین رفتن است. در یک سال گذشته معادلات منطقه‌ای در منطقه و جهان تغییر کرده است. از سوی دیگر مواضع کشورها نیز نسبت به یکدیگر تغییر کرده است. در این زمینه ما شاهد این هستیم که عربستان و امارات در مقابل خواسته‌های آمریکا درباره روسیه مقاومت نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند سیاست بی‌طرفی اتخاذ کنند و حتی در شرایطی با روسیه مراوداتی نیز داشته باشند تا بتوانند تحریم‌های غرب علیه روسیه را تضعیف کنند. از سوی دیگر ما شاهد تحرکاتی از سوی اسرائیل در منطقه هستیم. قطر در حال بهبود روابط خود با مصر است و از سوی دیگر ترکیه در حال بهبود روابط خود با عربستان است. آمریکا بیش از همیشه به این نیاز دارد که یک توازن قدرت در منطقه ایجاد شود. این توازن قدرت هم می‌تواند سرکشی ترکیه و عربستان را در مقابل آمریکا تضعیف کند و هم می‌تواند توازن قدرت باعث شود که آمریکا بتواند سیاست‌های مدیریت شده‌ای را در خاورمیانه اتخاذ کند. بدون تردید با توجه به تغییرات در منطقه ایران نیز نیاز به تغییر در سیاست خارجی خود خواهد داشت. این تغییرات به این معناست که ایران باید جایگاه و نوع بازی خود را در منطقه تغییر بدهد. تغییر این رویکرد نیز یکی دیگر از تصمیماتی است که مسئولان جمهوری اسلامی باید بگیرند که اگر این اتفاق رخ بدهد پیامدهای مثبتی برای کشور به‌همراه خواهد داشت.

> آمریکا بیش از همیشه به این نیاز دارد که یک توازن قدرت در منطقه ایجاد شود. این توازن قدرت هم می‌تواند سرکشی ترکیه و عربستان را در مقابل آمریکا تضعیف کند و هم می‌تواند باعث شود که آمریکا بتواند سیاست‌های مدیریت شده‌ای را در خاورمیانه اتخاذ کند. بدون تردید با توجه به تغییرات در منطقه ایران نیز نیاز به تغییر در سیاست خارجی خود خواهد داشت

ایران و آمریکا چگونه می‌توانند از مواضع خود در راستای به نتیجه رسیدن برجام عقب نشینی کنند و مواضع خود را متعادل کنند؟

واقعیت این است که ایران و آمریکا تلاش می‌کنند توپ را در زمین دیگری بیندازد و طرف مقابل را مقصر به نتیجه نرسیدن برجام معرفی کنند. در این زمینه نیز نمی‌توان به اظهار نظر مقامات دو کشور بسنده کرد و براساس این اظهارات درباره آینده برجام اظهار نظر کرد. در شرایط کنونی این احتمال که مذاکرات پنهانی بتواند برجام را جلو ببرد و به یک نتیجه برسد وجود دارد. به همین دلیل باید منتظر بود تا زمان برخی مسائل را روشن کند. تحرکاتی نیز بین برخی کشورهای میانجی آغاز شده و این کشورها تلاش می‌کنند مذاکرات غیر مستقیمی را بین ایران و آمریکا مدیریت کنند تا در نهایت به احیای برجام منجر شود. در مذاکرات قبلی ایران و آمریکا در دو موضوع «لغو تحریم‌ها»، «ارائه تضمین توسط آمریکا» به نتیجه نسبی رسیدند. ایران پذیرفت که آمریکا نمی‌تواند از جانب دولت آینده‌اش برای احیای برجام تضمینی ارائه دهد. هیچ تضمینی بزرگ‌تر از این نیست که ایران از فرصت تحولات اوکراین حداکثر استفاده را کند. ضمن اینکه ایران به پیشرفت‌های هسته‌ای دست‌یافته است که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا نمی‌تواند این پیشرفت‌ها را از ایران بگیرد. اگر بخواهند مجددا خدشه‌ای بر برجام وارد کنند، مسیر بازگشت به عقب طی خواهد شد و این خواسته آنها نیست. به نظرم بهترین فرصت و بهترین تصمیم برای ایران استفاده حداکثری از فرصت احیای برجام در جهت رشد و رونق اقتصادی و کسب بازار از دست‌رفته نفت و گاز جهانی است. به‌هرحال مهم‌ترین دغدغه آمریکا و شرکای اروپایی و حتی روسیه و چین همین مساله پیشرفت در برنامه هسته‌ای ایران هست، ازاین‌رو اذعان کرده‌اند که اگر این موضوع به مرحله‌ای برسد که ایران در برآیند کوتاه‌مدتی بتواند به سلاح هسته‌ای دست یابد، عملا مذاکرات برجام دیگر ویژگی خود را از دست می‌دهد. ما باید بپذیریم که تحریم‌هایی که علیه ایران صورت گرفته توسط آمریکا اعمال‌شده و نه سازمان ملل. حتی اگر بخواهیم با شرق و کشورهای همسایه‌مان روابط گسترده‌ای داشته باشیم، بدون رفع تحریم‌ها امکان‌پذیر نیست. چین و روسیه این را نشان داده‌اند که در مراودات اقتصادی‌شان با ایران قطعا منافع خود را در روابط آمریکا در نظر می‌گیرند، همان‌طور که طی سال‌های گذشته حاضر به کار با ایران نشدند ضمن اینکه تعدادی از شرکت‌های چینی و روسی هم ایران را ترک کردند. اکنون باید به این نکته فکر کنیم که چه رویکردی در پیش بگیریم که می‌تواند شرایط ایران را برای رسیدن به منافع برجام آسان‌تر کند. باید تبعات شکست مذاکره برجام مدنظر همگان باشد. شاید با یک گام بتوان گام‌های روبه‌جلوی بیشتری برداشت که این مساله می‌تواند موجب کاهش فشارهای اقتصادی شود و در میان‌مدت و بلندمدت به منافع مطلوب دست پیدا کنیم. هرچند مقامات آمریکایی همچنان بر برخی خواسته‌های حداکثری خودشان نسبت به برجام تأکیددارند ولی پشت میز مذاکرات قطعا آنها نیز اگر بخواهند برجام به سرانجام برسد، می‌دانند که باید عقب نشینی در مواضعشان انجام بشود. قطعا اگر تیم مذاکراتی آقای بایدن هم بخواهند مذاکرات را به سرانجام برسانند و با توجه به ضرورت‌هایی که در تغییرات سیاست خارجی و امنیتی خود در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کنند و این تغییرات در صورت احیای برجام می‌تواند با موفقیت‌هایی همراه باشد. آنها هم شاید تحت این فشارها و ملاحظات تعدیلی در مواضع خودشان ایجاد کنند و مجموعه این تحولات می‌تواند به تنش‌زدایی میان ایران و آمریکا و دولت‌های اروپایی در چگونگی روند مذاکرات احیای برجام بینجامد و تأثیرات مثبتی بر جای بگذارد.

> به‌نظر نمی‌رسد ایران با رویکردی که در سال‌های اخیر در سطح منطقه دنبال کرده بتواند در آینده در سطح منطقه از تأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار باشد. تغییر این رویکرد نیز یکی دیگر از تصمیماتی است که مسئولان باید بگیرند که اگر این اتفاق رخ بدهد پیامدهای مثبتی برای کشور به‌همراه خواهد داشت

فرارو

پشت‌پرده سفرهای دیپلماتیک «مردِ امنیتی» به تهران و ریاض

سیگنال‌های مثبت ایران به عربستان

نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که روابط ایران و عربستان به‌خصوص بعد از وقوع انقلاب اسلامی، همواره با رقابتی سرسختانه همراه بوده است، اگرچه دو طرف تلاش داشتند تا حضور یکدیگر را در منطقه تحمل کنند اما از ۶ سال قبل و از دی‌ماه ۱۳۹۴، اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه در عربستان و تجمع معترضین در مقابل سفارتخانه و کنسولگری این کشور در تهران و مشهد، موجب سردی و قطع روابط میان دو طرف شد. قرن نو نوشت؛ گویا تلاش قدرت‌های جهانی برای احیای توافق هسته‌ای از یکسو و رویکرد جدید دولت آمریکا از سوی‌دیگر سبب شده تا طی یک سال اخیر مذاکراتی با میانجیگری عراق میان تهران و ریاض آغاز شود. تا اردیبهشت ماه امسال پنجمین دور گفت‌وگو بین ایران و عربستان با میانجیگری عراق در بغداد برگزار شد؛ اما در پی بالاگرفتن تنش‌ها در منطقه، بار دیگر این گفت‌وگوها متوقف ماند. چندی پیش نور نیوز، رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی ایران از فضای «مثبت» مذاکرات خبر داد و پیش‌بینی کرد که «در آینده نزدیک» وزیران خارجه دو کشور جلسه مشترکی را با یکدیگر برگزار کنند؛ اما این امر تا به امروز محقق نشده است. با سفر نخست‌وزیر عراق به ایران بار دیگر خبرهایی در مورد تلاش وی برای احیای مذاکرات بین ایران و عربستان منتشر شد و جالب این بود که انتشار این خبرها با تلاش‌ها برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های جهانی همراه بود. حالا کارشناسان سیاسی و دیپلمات‌ها امیدوارند که گفت‌وگوها بین ایران و عربستان به نتیجه مطلوبی دست یافته و به‌دنبال آن تنش‌ها در منطقه کاهش یابد.

بازگشت روابط دیپلماتیک ایران و عربستان

اوایل خردادماه بود فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان بدون اشاره به جزئیات مذاکرات تهران و ریاض از «پیشرفت‌هایی» در گفت‌وگوهای مستقیم بین دو طرف خبر داد؛ اما تأکید کرد که این پیشرفت‌ها «کافی نیست.» با گذشت یک ماه بعد از انتشار این خبر، سخنگوی وزارت خارجه حالا از دریافت پیامی از عربستان به‌واسطه نخست‌وزیر عراق مبنی بر «آمادگی برای ارتقای مذاکرات بین دو کشور در سطح دیپلماتیک» خبر می‌دهد. سعید خطیب‌زاده در آخرین نشست رسانه‌ای خود در سمت سخنگوی وزارت خارجه، گفت: مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، در سفر خود به تهران نکاتی را از طرف ریاض به مقامات جمهوری اسلامی منتقل کرد که بسیاری آن را اعلام موافقت عربستان با ارتقای مذاکرات با ایران در سطح دیپلماتیک تلقی کردند. بنا بر شواهد، در ایران مسئولیت مذاکره با عربستان سعودی بر عهده شورای عالی امنیت ملی است و گفته می‌شود الکاظمی که در کارنامه خود مسئولیت‌های امنیتی در عراق را ثبت کرده، شخصاً در بسیاری از مذاکرات حضور یافته است.

آیا ابتکاری جدید در راه است؟

منابع مطلع می‌گویند که مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، در سفر به ایران ابتکاری تازه را با هدف تجدید مذاکرات بین دو رقیب سرسخت منطقه‌ای دنبال می‌کرد. دراین میان، برخی استقبال گرم بن‌سلمان از الکاظمی در عربستان را نشان‌دهنده تمایل و اراده این کشور برای بازگشایی سفارتخانه‌ها می‌دانند؛ اما تأکید دارند که این اتفاق در صورتی روی می‌دهد که عامل دیگری وارد نشود و این اراده را تحت‌تأثیر قرار ندهد. دراین‌رابطه سعید صباح زنگنه، کارشناس مسائل سیاسی و خاورمیانه اظهار کرد: سفر نخست‌وزیر عراق بعد از سفر عربستان به ایران نشان می‌دهد که موضوع گفت‌وگوهای ایران و عربستان در دستور کار و مذاکرات او قرار داشته است. وی همچنین درباره تأثیر مذاکرات احیای برجام بر مذاکرات بغداد، گفت: در این‌باره دو گمانه‌زنی مطرح می‌شود: یکی اینکه گفت‌وگوها قبل از سفر بایدن صورت گیرد، به نتیجه برسد، دو کشور روابط خود را احیا کنند و سفارتخانه‌ها باز شود. این کارشناس خاورمیانه با اشاره به نظریه دوم، گفت: ممکن است گفت‌وگوها بعد از سفر بایدن صورت گیرد و این موضوع قطعا در سفرهای منطقه‌ای بایدن مطرح خواهد بود که آیا روابط این دو کشور بزرگ منطقه عادی شده باشد یا خیر؟ بنابراین درخصوص مسائلی که در مذاکرات بغداد مطرح است بر این مساله نیز نقش زیادی خواهد داشت.

چرایی تلاش عراق

سؤال مطرح دیگر از دیدگاه کارشناسان سیاسی، چرایی تحرک دیپلماتیک بغداد دراین‌زمینه است. باید گفت اگرچه عراق با دو طرف این مناقشه روابط خوبی دارد و هم‌مرز است؛ اما اغلب میان تنش‌های دو کشور گرفتار می‌شود. اما دلایل دیگری هم برای تلاش الکاظمی وجود دارد. بهبود روابط با عربستان سعودی از سیاست‌های کلیدی این دولت است و وی از زمان روی‌کار آمدنش در ماه مه ۲۰۲۰ بارها تأکید کرده که خواهان روابط متعادل با دو همسایه است. همچنین در بحبوحه تشکیل دولت در عراق برقراری روابط مستقیم میان تهران و ریاض با میانجیگری الکاظمی می‌تواند امتیازی مهم و دستاوردی سیاسی برای او برای تکیه زدن بر پست نخست‌وزیری باشد. شاید برای همین است که او اصرار دارد میوه تلاش‌هایش برای حل اختلافات ایران و عربستان را الآن، نه وقتی دیگر، بچیند. ازسوی‌دیگر، عراق جدا از دارابودن پتانسیل بالا برای واردات کالاهای ایرانی و انجام معاملات تجاری، از بعد سیاسی و ژئوپلیتیک نیز برای تهران حائز اهمیت است و هم‌مرزبودن عراق با سوریه نیز سبب شده تا تهران بر روابط با دولتمردان عراقی حساب ویژه‌ای باز کنند؛ به‌ویژه آنکه عراق جمعیت درخورِ توجهی از شیعیان را در خود جای داده و بخشی از شخصیت‌ها و گروه‌های پرنفوذ سیاسی در عراق با تهران همراهی می‌کنند.

گره رابطه ایران و عربستان باز می‌شود؟

با توجه به اظهارنظر مقامات سیاسی دو کشور، تسریع در برقراری روابط سیاسی محتمل و متصور است. حسن لاسجردی، کارشناس مسائل غرب آسیا در این‌باره معتقد است: مصطفی الکاظمی با توجه به سبقه امنیتی که دارد تلاش می‌کند تا در وهله اول روابط همه کشورهای همسایه را با یکدیگر ارتقا دهد که موازنه ایجاد کند و در مرحله دوم از قابلیت‌های اقتصادی و سیاسی همه همسایگان خود ازجمله ایران و عربستان استفاده کند. ازسوی‌دیگر، آرامش در روابط ایران و عربستان سعودی به‌معنای تسریع گفت‌وگوهای مربوط به احیای توافق هسته‌ای ایران است؛ به‌ویژه آنکه جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در شکست بن‌بست ایجادشده در مذاکرات طی چند ماه گذشته نیز موفق بوده است. حال باید منتظر ماند دید آیا الکاظمی می‌تواند گره روابط میان ایران و سعودی را باز کند یا خیر؟

یادداشت

اسرائیل نگران نزدیک شدن ایران و ترکیه

رحمان قهرمان پور
کارشناس مسائل بین‌الملل

دلایل نزدیکی اسرائیل و عربستان به ترکیه تا حدی متفاوت است اما مسائل داخلی ترکیه در هر دو مورد از مهم‌ترین عوامل است. حزب عدالت و توسعه یا حزب آقای اردوغان، سال بعد وارد انتخابات می‌شود و برای بیست و دومین بار قدرت را به دست می‌گیرد. انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات پارلمانی به صورت همزمان برگزار خواهد شد. مجموعه‌ای از اتفاقات روی داده است که باعث شده احتمال پیروزی حزب عدالت و توسعه کمتر شود. ترکیه اوضاع اقتصاد خوبی ندارد و میزان تورم افزایش یافته، ارزش پول ملی کمتر شده و فشار بر طبقات متوسط و پایین بیشتر شده است که همان طبقاتی هستند که پایگاه اصلی رأی عدالت و توسعه به حساب می‌آیند. فعلا هم چشم‌انداز روشنی برای پایان زودهنگام تورم دیده نمی‌شود. آقای اردوغان هم بعد از جلسه هیات دولت اعلام کرد که مردم باید چند ماه دیگر این تورم و گرانی را تحمل کنند. این‌ها برای آقای اردوغان و حزب عدالت و توسعه که با شعار بهبود اوضاع اقتصادی و مخصوصا بهبود وضع معیشتی اقشار پایین دست روی کار آمدند؛ خبر خوبی نیست. در طرف دیگر احزاب اپوزیسیون در قالب یک ائتلاف به هم پیوسته‌اند و به صراحت اعلام کرده‌اند که هدف آن‌ها شکست دادن اردوغان است. همچنین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۱۱ درصد از کسانی که در انتخابات ۲۰۱۸ به اردوغان و حزب عدالت و توسعه رأی داده بودند، فعلا قصد رأی دادن به این حزب را ندارند. مگر اینکه شرایط تغییر کند. بنابراین در هر دو مورد اسرائیل و عربستان ملاحظات داخلی آقای اردوغان نقش اساسی دارد. در مورد عربستان، اردوغان به دنبال جذب سرمایه‌گذاری است. همان‌طور که قبلا از امارات و قطر سرمایه جذب کرده بود. این سرمایه‌گذاری‌ها برای طراحی پروژه‌های زیرساختی به ویژه برای ساخت تونل استانبول است که برای حزب عدالت و توسعه اهمیت زیادی دارد و این حزب مانور بالایی روی آن می‌دهد. در مورد اسرائیل هم انتقال گاز سرزمین‌های اشغالی به اروپا از طریق ترکیه اهمیت دارد. اما در مورد هر دوی این کشورها موانع مهمی وجود دارد که موجب می‌شود هم اسرائیل و هم عربستان در نزدیکی به ترکیه محتاط باشند. تغییر مواضع آقای اردوغان در ۲۰ سال گذشته سبب شده تا این دو اعتماد لازم را در خصوص سیاست خارجی ترکیه نداشته باشند. بارها بیان کرده‌اند که ترکیه مواضع ثابتی ندارد و ممکن است اظهارات نادرستی درخصوص بهبود روابط داشته باشد. مساله دیگر مساله تاریخی است که به ویژه درباره عربستان صدق می‌کند. یک بدبینی تاریخی بین ترک‌ها و عرب‌ها وجود دارد. در مساله قتل جمال قاشقچی، اردوغان آن زمان کمپین بین‌المللی راه انداخت و به‌طور مشخص محمدبن سلمان را دستوردهنده اصلی قتل قاشقچی معرفی کرد، بنابراین عربستان به راحتی نمی‌تواند این مسائل را نادیده بگیرد. درباره اسرائیل هم علاوه بر گرایش‌های اسلام‌گرایانه‌ای که حزب عدالت و توسعه در مورد آنها دارد و باعث نگرانی اسرائیل می‌شود، حمایت ترکیه از اخوان، حماس، حادثه کشتی مرمره و برخی مسائل دیگر باعث شده است که بهبود روابط آنطور نباشد که انتظار می‌رفت. روابط ما با ترکیه بعد از موضوع سوریه و اختلافی که دو طرف در سوریه پیدا کردند، سیر نزولی پیدا کرد. مساله کرونا هم مزید بر علت شد. هر چند در مورد رفراندوم استقلال در اقلیم کردستان دو طرف به هم نزدیک شدند همین تلاش باعث شد رقابت آنها تشدید شود. در نتیجه اختلافات میان دو طرف بیشتر شد. از سوی دیگر در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیروهایی هستند که مخالف بهبود روابط هستند یا علاقه‌ای به گسترش روابط میان دو کشور ندارند. از جمله این‌ها اسرائیل را می‌توانیم نام ببریم. اسرائیل همیشه نگران نزدیکی ایران و ترکیه به همدیگر است و تحلیل می‌کند که اگر این دو کشور به هم نزدیک شوند، فضای مانور اسرائیل در منطقه کمتر می‌شود. بنابراین صرفا یک عامل وجود ندارد که بتوانیم بر آن تمرکز کنیم. مجموعه‌ای از عوامل وجود دارد که باعث شده تنش در روابط دو کشور بیشتر شود. با این حال ایران و ترکیه سعی می‌کنند تنش‌ها را پایین نگه دارند و وارد تقابل علنی با یکدیگر نشوند؛ ولی کاهش میزان مبادلات تجاری میان دو کشور و کاهش رفت‌وآمدهای دیپلماتیک نشان می‌دهد که روابط دو کشور در موقعیت خوبی قرار ندارد. در چشم‌انداز سه ساله بعید است که روابط به حالت گذشته بازگردد. اما نمی‌توانیم بگوییم که روابط به درگیری و تنش منجر خواهد شد.